

**بردگی در بازار آزاد**  
**تجارت جهانی زن تحت**  
**سرمایه داری**

**و**  
**بردگی و مقاومت:**

**تجارت خدمتکاران خانگی**

دو مقاله از «کارگر انقلابی»

ارگان حزب کمونیست انقلابی آمریکا

تجارت جهانی زن تحت سرمایه داری

— مقاله‌ای از «کارگر انقلابی» - از گان حزب کمونیست انقلابی - آمریکا، ۱۹۹۵

«نین»، دختر دهقانی از منطقه شمال شرقی تایلند به یک خبرنگار توضیح میداد که چگونه خانواده بیچاره اش او را در مقابل چند صد دلار فروختند. خریدار که یک سرباز بود به او گفت که بعنوان ظرفشوی در رستوران یک شهر کار خواهد کرد. او به صاحب یک فاحشه خانه فروخته شد - و قیمت فروش جدید بعنوان «قرضی» که او باید بپردازد در نظر گرفته شد. اولین مشتری او یک توریست آمریکائی طالب سکس بود که دنبال باکره ها می گشت. او برای تجاوز به «نین» ۸۰۰ دلار پرداخت کرد. این مبلغ بیشتر از قرضی بود که «نین» باید می پرداخت - اما نه بطریقی که صاحبش حساب می کرد. وی سالها در اسارت باقی ماند.

مشابه همین داستان هزاران و هزاران بار در تایلند و فیلیپین و برمه و بسیاری کشورهای دیگر جهان سوم نقل شده است.

«سی ری»، یک دختر ۱۲ ساله به مجله اسپیکل از کم و کیف فروش خود گفت. او در یک روستای کوچک که شامل ۱۰ کشاورز برنجکار بود در شمال تایلند در استان چانگ ری زندگی می کرد. وقتی پدرش مرده، مادرش او را به صاحب یک رستوران در شهر کورات فروخت؛ با این قرار که بعنوان ظرفشوی و آشپز کار کند. اما او مجبور به فحشاء به ازای قرضش شد. بابت هر مشتری به او یک دلار میدادند. دختران بسیاری تحت همین شرایط توسط ماشین پلیس به اطراف و اطراف کشور برده و مستقیماً تحویل فاحشه خانه ها داده شده اند. «سی ری» توسط دلالهای مختلف دست بدست می شد تا اینکه بالاخره در یک مرکز توریستی در ساحل پاتایا مستقر شد. در آنجا مجبور بود که روزانه به ۴ تا ۷ توریست سرویس بدهد. اغلب مشتریان از مردانی از اروپای غربی، ژاپن و آمریکا بودند.

هزاران دختر با موقعیتی مشابه سی ری بطور فزاینده ای در سراسر جهان سوم «صادر» میشوند و به «صنایع سرگرم کننده» دیگر کشورها، مخصوص کشورهای ثروتمند اروپا، آمریکای شمالی، ژاپن و خاورمیانه فروخته میشوند. ۳۰۰,۰۰۰ زن آسیائی فقط به کمپانی های سکس ژاپن «صادر» شده اند.

تجارت زنان یکی از تجارتهای چند میلیارد دلاری سرمایه داری جهانی شده است. نرخ بالای سود، سندیکاهای بین المللی موجود آورده که به کار خرید و فروش و آزار میلیونها زن مشغولند. این پول های کثیف در خدمت تقویت حکومت های مستقر است، زیرا نهبانها به حساب سلاطین بانکهای جهانی و سرمایه داران مالی واریز می شود؛ همانها که کنترل قرض ها و اقتصاد کشورهای تحت سلطه را در دست دارند.

هر منطقه ای داستان خودش را دارد

در مناطق وسیعی از جهان سوم صنعت سکس زمینه ای فراهم کرده تا از بین فقیرترین فقرا افراد را شکار کند. هر ساله بیش از یک میلیون زن و کودک آسیائی از طریق قروش، حراج، یا بدام افتادن به بردگی کشیده می شوند. تمام روستاهای آسیای جنوب شرقی - شمال شرقی تایلند، جزایر فیلیپین، برمه و بطور فزاینده ای لاوس، نپال و جنوب چین - از دختران بین ۱۳ تا ۱۹ ساله خالی شده است. در روستاهای کوهستانی همالایا هر ساله حدود ۷۰۰۰ نوجوان به تبار برده فروخته میشوند تا در فاحشه خانه های جاده فاکلند بمبئی بکار گرفته شوند. فاحشه خانه های پاکستان و خاورمیانه مملو از دختران بنگلادشی، سریلانکایی و فیلیپینی است. مجله تایم (۲۱ ژوئیه ۱۹۹۵) بطور مستند نشان میدهد که چگونه پایگاههای نظامی آمریکا مراکز محافل فحشاء است، به هر سرباز آمریکائی ۵۰۰۰ دلار میدهند تا زنان آسیای شرقی را با ازدواج فریب داده و به تورت هود (تکزاس) برده تا مجبور به فحشاء در هوستون، دیترویت و دیگر شهرهای آمریکا شوند. متادوما تعداد بسیار زیادی زن چینی وارد بنادر آمریکا میشود. قرض بسیار زیادی که ناشی از مخارج سفر است آنها را در موقعیت نامساعدی در مقابل مردان طلبکار قرار میدهد تا تحت فشار آنان به فحشاء کشیده شوند.

در سراسر آمریکای لاتین و کارائیب زنان جوان دهقان بعلت فقر از خانه هایشان آواره شده و اغلب به امید یافتن زندگی بهتر در «مرزهای شمالی» به آمریکا می روند.

در کشورهایی چون السالوادور، بارها گروههایی افشاء شده اند که زنان جوان را برای کارهای جنانگی استخدام میکنند تا آنها را برای تجارت سکس مورد استفاده قرار دهند. اغلب از این زنان خواسته میشود که «حقوق الزمه شرکت» را

بپردازند و بمحض اینکه این زنان بدون هیچ مدرک قانونی وارد آمریکا میشوند مورد تهدید و خسارت قرار می گیرند، و مجبور به فحشاء میشوند. در يك مورد، دلال ها به تعدادی زن گواتمالائی در مقابل ۴۰۰۰ دلار پیشنهاد شغل کردند و وقتی این زنان وارد اسپانیا شدند، آنها را مجبور به فحشاء کردند. (تایم، ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۳)

زنان جوان مناطق فقیر جنوب غربی جمهوری دومینیکن به تجارت جهانی سکس کشیده شده اند و کلوب های اطراف جزایر آنتی کوآ برای توریستهای آمریکائی و اروپائی تقریباً ۴۰۰۰ فاشه دومینیکنی از مجموع جمعیت ۸۰۰۰۰ نفری آن فراهم می کنند. ۷۰۰۰ دومینیکنی در کمپانی های سکس آمستردام کار می کنند. بیشتر آنها در یونان، ونزوئلا و کلمبیا هستند. چند سال پیش ۴۰۰ دومینیکنی را به «له ریرا»، «مایور کا» و «ایبیزا» (منطقه کلوبهای اسپانیا) آوردند. به خانواده هایشان گفته شده بود که دختران را برای شغل هایی با حقوق مکفی می برند. حتی بعضی از آنها خانه هایشان را به رهن گذاشتند تا دخترانشان را به خارج بفرستند. ناگهان در اسپانیا به دختران گفته شد در صورتی که تن به فحشاء ندهند خانواده هایشان خانه خود را از دست داده و به خیابان ریخته می شوند. (تایم ۲۱ ژوئن ۱۹۹۳) ویروس ایدز بسرعت در جمهوری دومینیکن در حال گسترش است.

میامی در ایالات متحده مرکز تجارت سکس در آمریکا شده است. زنان جوانی که دزدیده شده یا فریب خورده اند را از کلمبیا، نیکاراگوآ و دیگر کشورهای آمریکای لاتین برای خرید و فروش می آورند.

تقریباً ۲۰۰ هزار زن بنگلادشی بعنوان فاشه در پاکستان اسیرند. دلال اصلی زنان هر ساله بازار حراجی در محل استقرارش در شهر کراچی برپا می کند. دختران جوان بنگلادشی که بین ۸ تا ۱۰ سال دارند را در مقابل ۴۰ تا ۵۲۰ دلار می فروشند. معاملات چندان علنی نیست و پشت پرده بین دلالان و مشتریان انجام می گیرد. صاحب يك فاشه خانه ده دختر را به مبلغ ۲۰۰۰ دلار خرید. بعضی دختران به فتواد های ثروتمندی فروخته شدند که دنبال هوس می گشتند. این دختران بعد از فروخته شدن مجبورند مثل برده تا آخر عمر کار کنند. طی حراج، دختران مات و ساکت برجای نشسته بودند. (شیکاگو تریبون، ۱۷ نوامبر ۹۱)

ورشکستگی اقتصادی بلوک شوروی و اروپای شرقی شربه سختی به زنان طبقه کارگر و حتی زنان متخصص وارد کرد. ۷۵ درصد بیکاران در روسیه مونت هستند. این وضع باعث شده که بسیاری از زنان روسیه، آلمان شرقی، اوکراین، لهستان و چک در غرب به فحشاء بپردازند. تمامی مجلات متداول آمریکا پر از آگهی عرضه زنان جوان روس بصورت هوسر یا فاشه هستند. زنان روس را قاچاقی توسط کامیون وارد آلمان یا فرانسه می کنند تا بعنوان فاشه بکار مشغول شوند. نیمی از کاباره های سکس در شهرهایی چون بروکسل و برلین پر از زنان اروپای شرقی است. می گویند آنها مجبورند با يك پنجم دستمزد زنان اروپای غربی کار کنند. بحران اقتصادی روسیه و بخصوص بی ارزش شدن روبل روسی باعث شده که زنان بدنیال ارزهای تریبی باشند. دستمزد يك شب نمایش عربان در برلین ده برابر حقوق متوسط ماهانه يك زن در روسیه است. «مدارس استریپ تیز» مثل قارچ در مسکو روئیده تا به زنان روس آموزش دهند و سپس «صادرشان» کنند. صاحب یکی از این مدارس در مسکو لاف می زد که «الان همه چیز خوب است. ما رابطه خوبی با حکومت فعلی داریم». چندی از زنان روس را می بینیم که همراه با کنترل کنندگانشان در فرودگاه های دول عربی خلیج با ویزای کار ۱۴ روزه از پاس کنترل رد می شوند. یا در قاهره، رقصان روسی سرتیزتر کاسپی کاباره ها هستند. از وقتی مهاجران روسی - یهودی را روانه اسرائیل کرده اند، تعداد فاشه خانه های تل آویو طی پنج سال از ۳۰ به ۱۵۰ رسیده است. (تایم، ۲۱ ژوئن ۹۳) در پانوق های مسکو، مثلاً قارچ در سواحل دریای سیاه در ترکیه روئیده اند، «ئاتاشا» های روسی صف کشیده اند. اینها را باندهای نوحشته مانیابر روسیه تریبه آورده اند.

جزیره قبرس در شرق مدیترانه، «سکوی پرش» تجارت جهانی سکس تبدیل شده است. زنان جوان از کلیه مناطق جهان به ویژه از آفریقا، شرق و جنوب آسیا به اینجا آورده میشوند. در قبرس، آنها را به توزیع کنندگانی می فروشند که از کشورهای اروپائی گرفته تا خاورمیانه قرارداد متعدد می کنند (نیویورک تایمز - ۹ آوریل ۱۹۹۳) در همانحال که دلالان ویزا جور می کنند، زنان را جدا کرده و مورد ضرب و شتم قرار میدهند تا برای يك زندگی جدید بعنوان برده جنسی آموزش یابند. زنان نیجریه ای مجبورند در خیابانهای بلوئیای ایتالیا خودفروشی کنند. محله فاشه خانه ها در شهر آنت ورب بلژیک، زنان جوان غنائی را عرضه می کنند.

فروش زنان يك بی عدالتی کهن است. طی هزاران سال جامعه طبقاتی با زن بعنوان مایملک رفتار شده است. آنها از پدر به شوهر و از قبيله به قبيله در مقابل چیزیه و شیربها دست بدست شده اند. در روزهای سخت و تلخ، تنها چیزی که برای فقیرترین خانواده ها باقی می ماند، بچه هایشان بود. اغلب دختران این خانواده ها از والدین خود جدا می شدند و در ازای کسی پول یا غذا به ثروتمندان یا دلالان فروخته می شدند.

بردگی جنسی تحت سرمایه داری، علاوه بر جنایات بشمار دیگرش، تاریخی طولانی دارد. تجار سرمایه دار میلیونها آفریقائی را برای فروش به مزارع بزرگ آمریکا دزدیدند و میلیونها زن آفریقائی را به آنجا بردند که علاوه بر کار اجباری در مزرعه اغلب مجبور به بردگی جنسی هم بودند. در همان زمان، تجارت جهانی زنان در منطقه اقیانوس آرام شروع شد. این دوره ای بود که کارگران فقیر چینی را با کشتی به سواحل غربی قاره آمریکا می بردند. برای مثال، دختران دهقان چینی اغلب برای فروش در مغاند غرب آمریکا به صف می شدند. این تجارت حتی پس از محو برده داری در جنوب به سیات خود ادامه داد.

دو دهه های اخیر قرن بیستم، سرمایه داری مدرن با امپریالیسم يك موج جدید انقباضی از داد و ستد جهانی زنان برپا

کرده است. این داد و ستد را صاحبان قدرت عمادانه پنهان کردند تا بتوانند سوده‌های میلیاردی بدست بیاورند. همه «پیروزی‌های» اخیر امپریالیسم زاپن و غرب، «پیروزی‌های بازار آزاد»، یعنی نفوذ گسترده بازار جهانی، اثبات ثروت در ممدودی کشورها، سقوط اخیر بلوک شوروی، توسعه مراکز مالی جهانی، تحمیل برنامه «نئولیبرالی» ریاست کشی و خصوصی کردن در سراسر جهان، توسعه ارتباطات سریع، به این انتقار کریه که زنان جهان از آن در رنجند، خدمت کرده است.

در سراسر کره خاکسی، دلان خانه به خانه به خانوارهای فقیر سر می زنند تا دخترانشان را بخرند. قهرناست که این کار را می کنند. اما حلال، دختران را فقط برای کلفتی یا همسری فئودال های محلی نمی خریدند - گرچه این کار هم به اندازه کافی وحشتناک است. اکنون این سنن فئودالی در مدارها و ترازنامه های مالی «بازار آزاد» جهانی سرمایه داری ادغام شده و حتی دهشتناکتر از سابق شده است.

دلان اغلب به پدران قول می دهند که دختران ده، یازده ساله شان خدمتکار یا آشپز رستوران خواهند شد یا حتی در شهرهای دورست به اجرای «رقص های سنتی» خواهند پرداخت. خیلی از آنها در مقابل مزدهای برده داران در آشپزخانه ها، رختشویخانه ها یا یگانخانه های بمبئی، سنگاپور و مانیل، یا در مراکز بشمار توریستی در دهها شهر دیگر جهان سوم مشغول بکار می شوند.

در جریان این شکار سرمایه داران، زیباترین دختران و پسران جوان تهیدستان را آماج قرار میدهند و در صنعت چند میلیارد دلاری در جهان مجبور بکار می کنند. میلیونها زن بمحض فروخته شدن خود را در شرایط نیمه بردهگی در مراکز عرضه سکس در مونتشان یا در ماوراءبحار می یابند. زنان را از یکدیگر جدا می کنند، به زور به اسارت می گیرند و به آنها دستور می دهند که برای «بازپرداخت قرض هایشان» به خریداران خود، به فحشاء بپردازند.

تکنولوژی مدرن هوانی، مخاپرات، سیستم جهانی بانکی، ویدئو و حتی سیستم شبکه بین المللی کامپیوتر در دست سرمایه داران امروز به ابزاری تبدیل شده که ستم همه جانبه بر زنان را عمیقتر می کند.

سرمایه داری در هر گوشه کره ارض، بشر را بعنوان کالا درون نظام برده داری مدرن می کشد. گوئی آنها گندم، نفت یا پیپسی کامپیوتر هستند.

داد و ستد جهانی زنان روی کاغذ غیرقانونی است. معاهدات بین المللی و اغلب قوانین کشوری این داد و ستد را ممنوع کرده است. اما در واقعیت، فحشاء را می پذیرند و تقویت می کنند. فحشاء بویژه برای دولت های مرتجع جهان سوم راهی برای بازپرداخت قروض خارجی است. این کار هر چه بیشتر توسط شرکت های بزرگ انجام می گیرد. داد و ستد زنان با سندیکاها، زیرزمینی جهانی، حکومت ها و ارتش آمریکا ارتباط لاینفک دارد. تقویت و حتی تامین مالی این کار بوسیله مراکز اصلی مالی جهانی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول انجام می شود.

نتیجه همه اینها، استثمار درناک روزمره، تحقیر و آزار فاحشه ها و در پیش گرفتن راهی است که اغلب به مرگ (از بیماری های مقاربتی، سل، قتل توسط دلان و مشتری ها، و بطور فزاینده ای ایذنا) منتهی می شود.

صنعت سرمایه داران سکس زندگی های جوان را می بلند و بسرعت سدها و هزاران نوجوان دیگر را که از روستاها و گداخانه ها بدست آورده، بجایشان بکار می گیرد.

### تقاضا برای فحشاء کودکان و ازدواج تجاری زنان

تعداد تخمینی کودکان فاحشه با آنچه که واقعا هست، فرق زیادی دارد. (اغلب بدین خاطر که در این تخمین ها افراد ۱۶ و ۱۷ ساله را کودک حساب نمی کنند و در برخی کشورها آنها را بزرگسال می دانند). در هر صورت مجله اشپیکل (شماره ۳۵ - ۹۱) تخمین می زند که ۳۰ هزار دختر نوجوان در بانکوک برای فروش عرضه می شوند و طبق آمار رسمی فیلیپین ۲۰ هزار کودک ۷ تا ۱۵ ساله به فحشاء مشغولند. مجله تایم (۲۱ ژوئیه ۹۳) تخمین می زند ۸۰۰ هزار فاحشه خردسال در تایلند، ۴۰۰ هزار در هند، ۲۰۰ هزار در برزیل و ۶۰ هزار در فیلیپین بکار مشغولند. تعداد تخمینی کودکان فاحشه در آمریکا بین ۹۰ هزار تا ۳۰۰ هزار نفر است.

این فقط بخشی از تصویر است: برآورد شده که امروزه ۸۰ میلیون کودک کورده آواره در خیابانهای جهان سوم، زندگی را با زرتگی هایشان می گذرانند. در بعضی کشورها گفته شده که ده درصد کودکان به فحشاء کشیده شده اند. در معادن دورافتاده آمازون در برزیل، هزاران نفر زده شده و مجبور به خودفروشی شدند. فقط در منطقه «پرا» فرماندار تخمین می زند که ۳۰ هزار دختر جوان ۱۰ تا ۱۴ ساله به فحشاء مشغولند. (اشپیکل ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱)

تامین بازار فحشاء توسط کودکان همرا با فقر توده ها افزایش می یابد. برای مثال در شیلی، طبق یک گزارش از دهه ۷۰ فحشاء کودکان بسرعت رشد یافته است. این همزمان است با اجرای «قرم های نئولیبرالی» آمریکا که باعث افزایش فلاکت و لاعلاجی تهیدستان شد. از آنجا که فرم های این چنینی توسط آمریکا به سراسر جهان تحمیل شده، صحنه فلاکت و فحشاء تکرار خواهد شد.

اگرچه برآوردها در مورد تعداد کودکان فاحشه متفاوت بوده و در اجزاء مشخص قابل انکاه نیست، اما کسی بر سر این زیاد دعوا ندارد که در صنعت سکس تماشای فزاینده ای برای کودکان بوجود آمده است. این صنعت بخصوص در مدارهایی که بطور بین المللی جهت توره های سکس سازماندهی شده است. این تمایل را ترس از بیماری ایذنا و این تصور که کودکان

میتلا به این قبیل بیماری‌ها نیستند، تقویت می‌کند، البته واقعیت ندارد که این کودکان نسبت به ایدز مصونیت دارند. در حقیقت نتیجه اصلی تمایل به فحشاء کودکان، آزار تمنازهر چه بیشتری از نوجوانان و کودکان و گسترش سریع ایدز و سایر بیماری‌ها در بین آنهاست.

پرفسور جانسی ریمنود، پزشک متخصص در دانشگاه ماساچوست «آم هرست» میگوید: پزشکانی از آسیا، آمریکای لاتین و ایالات متحده گزارش داده‌اند که طی دهسال اخیر تمناز بیسابقه‌ای از کودکان زیر ۱۴ سال میتلا به بیماریهای مقاربتی واگیردار مشاهده شده‌اند (گزارش نیویورک تایمز ۹ آوریل ۹۳). مطالعات پونسکو نشان میدهد که در بین توریستهای سکس در آسیا، تقاضا برای دختران نوجوان افزایش یافته است. درست موقعی که تقاضا برای پسران جوان توسط توره‌های سکس غرب افزایش پیدا کرده است. یک گزارش دیگر یونسکو تخمین میزند که بیشتر از ۱۰ هزار پسر سریلانکایی بین ۱۴ تا ۱۶ سال به فحشاء مشغولند و عمدتا در خدمت مردان خارجی هستند. (نیویورک تایمز ۹ آوریل ۹۳)

بیماری از زنان بمحض اینکه به ۲۰ سالگی میرسند دیگر برای فحشاء خانه‌ها، پیر بحساب می‌آیند و دیگر سودی ندارند. تجارت سکس برای این زنان به نحو دیگری ادامه می‌یابد. اینها دوباره در چارچوب تجارت -جانی «همسران مکاتبه‌ای» بفروش می‌روند.

چندین هزار زن که در تجارت «همسران پستی» بکار گرفته میشوند امید خلاصی از زندگی فلاکت بار روستا را در دل دارند. حداقل ۷۰۰ شرکت صادر کننده زنان چینی، تایلندی، سریلانکایی و فیلیپینی وجود دارند که اینها را تحت پوشش «بنگاه‌های همسریابی»، «کلوب دوستان مکاتبه‌ای»، «دفاتر آشنائی» و «همراه‌یابی» می‌فروشند تا در قالب یک ازدواج به بردگی مشغول شوند. بسیاری از زنان سریلانکایی و فیلیپینی برای ازدواج‌های برده وار به کشاورزان پیر و ثروتمند ژاپن و کره جنوبی فروخته میشوند. اینها کسانی هستند که نمیتوانند در مناطق و روستاهای خود همسری پیدا کنند. فقط در سال ۱۹۸۹، ۸۰۰ ۱۷ مرد ژاپنی بدین نحو ازدواج کردند و غالبا برای اینگونه ازدواج‌ها ۲۰ هزار دلار پرداختند. هزاران کشاورز در «تورهای عروسی» به فیلیپین سازماندهی میشوند. در جریان این توره‌ها، هزاران زن شماره دار تحت نظر مقامات محلی در نمایش عروس رژه می‌روند. برخی کشاورزان حتی از کشورهای دوری نظیر لهستان مشاهده شده‌اند که برای خرید زن به فیلیپین آمده‌اند.

ایالات متحده تبدیل به بازار رشد یابنده همسران پستی شده است. تقریبا هر ساله ۱۶ هزار زن فیلیپینی جهت ازدواج با مردان خارجی که اکثرا آمریکایی هستند، آن کشور را ترک میکنند. فقط در ایالات متحده برآورد شده که هم اکنون حداقل ۵۰ هزار عروس پستی وجود دارد. دلالت در پایگاه‌های نظامی آمریکا این افسانه را تبلیغ میکنند که همسران آسیائی رام و مطیع هستند. مخاطب آنها آشکارا مردان عقب مانده‌ای هستند که از زنان مستقل تنفر داشته و میخواهند بر همسر خود در خانه کاملا مسلط باشند.

این تفکر عقب مانده را میتوان در این مثال مشاهده کرد: یک سرباز آمریکایی از این عصبانی بود که چرا همسر کره‌ای او پلک‌نوشن یاد گرفته است، همچنین این طرز تفکر را میتوان در گزارشی مشاهده کرد که از ضرب و شتم و قتل همسران در این نوع ازدواج‌ها از سال ۱۹۸۰ در ایالات متحده، و قتل ۱۶ همسر پستی تبلیغی بدست شوهرانشان در استرالیا منتشر شده است. این قتل‌ها در مرادری بخاطر دریافت پول بیمه صورت گرفته و فیلیپینی‌ها را در استرالیا به آسیب پذیرترین بخش گروه بندی‌های زنان تبدیل کرده است.

تبلیغات برای فروش زنان آسیائی و روسی بقصد ازدواج در مجلات متداول آمریکا نظیر «رولینگ استون» و «هارپرز» منتشر میشود. یک بخش مفصل «اینترنت»، کاتالوگی از زنان فیلیپینی همراه با هزاران تصویر کامپیوتری و مشخصات آنها را جهت فروش ارائه میدهد.

آمار جهانی خرید و فروش بین المللی زنان افزایش نشان میدهد. در سال ۱۹۹۱، در کنفرانس سازمانهای زنان آسیای جنوب شرقی برآورد شد که از اواسط دهه ۱۹۷۰، سی میلیون زن در خرید و فروش جهانی سکس فروخته شده‌اند.

به مسئله دقیقتر نگاه کنید: این کارکرد «بازار آزاد» مدرن سرمایه داری است که توسط کل سرمایه داران بزرگ امپریالیسم آمریکا هماهنگ میشود. این ازدواج کشاورزی نیمه فئودالی با سرمایه داری انحصاری است که متکی بر تکنولوژی برتر در سراسر جهان می‌باشد. این تشدید انفجار آمیز ستم پدسالارانه نوع کهن است که میلیاردها دلار نیروی کار و کالا را بفتح سرمایه داری مدرن استخراج میکند و انتقال میدهد. وقتی که رسانه‌ها «پیروزی بازار آزاد» را جشن میگیرند، در واقع همه این جنایات و جنایات بیشتر دیگر را بزرگ می‌نمایند و از آن به حمایت بر می‌خیزند.

ماتوئینسها میگویند که «بازار آزاد» به معنی آزاد بودن سرمایه داران در خرید و فروش آزادانه نوع بشر و نیروی کارش است. خرید و فروش جهانی زنان یک مثال روشن از حاکمیت سرمایه داری، قرار گرفتن سود در مقام فرماندهی، کالا محسوب داشتن نوع بشر، نفوذ عمیق مناسبات بازار در مناطق روستائی و اتصال مناطق بیشمار به یک «بازار» سرمایه داری جهانی می‌باشد.

## بردگی و مقاومت: تجارت خدمتکاران خانگی

«سارا بالاباگان» وقتی که فیلیپین را ترک گفت و در ماه مه ۹۴ بعنوان خدمتکار خانگی به امارات متحده عربی آمد، پانزده ساله بود. يك دلال کارچاق کن محلی او را استخدام کرد، برایش مدارك جعلی جور کرد که سنش را ۲۸ ساله نشان می داد. والدین سارا امیدوار بودند که با دستمزدش خرج خورد و خوراک خانواده ده نفره شان را تامین کنند. این سفر، سارا را از زندگی فلاکتبار در بین بومیان «ایرانون» در جزیره «مینداناو» خارج کرد و به دنیای بردگی مدرن و آزار جنسی وارد نمود.

برای دو ماه سارا از صبح تا شب کار کرد. او پیش از صبح بیدار می شد و تا پایان شب، یعنی وقتی که خانواده اربابش همگی به خواب رفته بودند، کار می کرد. مردان بالغ خانواده مداوماً او را آزار جنسی می دادند. دو ماهی از آمدن او گذشته بود که پدر بزرگ خانواده با چاقویی به سرش آمد و کوشید با تهدید به او تجاوز کند. سارا که خشمگین و هراسان شده بود، چاقو را بیست او برگرداند و این مرد متجاوز را به قتل رساند. پلیس و محکمه در امارات متحده عربی مقاومت سارا را عملی غیر قابل تحمل و جانی قلمداد کردند. سارا با اتهام قتل نفس محکوم شد؛ هرچند که دادگاه تشخیص داد به او تجاوز شده است. سارا به هفت سال زندان و پرداخت مبلغ ۱۴ هزار دلار به خانواده مرد متجاوز محکوم شده بود. این مجازات غیرقابل تصور و ناعادلانه پاسخی به يك دفاع از خود بود.

موج اعتراض در فیلیپین و در بین کارگران فیلیپینی در خلیج فارس بلند شد و همزمان نیروهای صاحب قدرت در امارات متحده عربی اصرار کردند که حکم دادگاه اول به اندازه کافی قاطع نبوده است. در سپتامبر ۹۵ دادگاه جدیدی تشکیل شد. این دادگاه سارا بالاباگان ترا به تبریران محکوم کرد. او طی نامه ای در زندان نوشت: «حتی اگر نهایتاً اعلام شوم، باز هم معتقدم که کارم برحق بوده است.»

موج اعتراضات در سراسر جهان بالا گرفت. حکومت فیلیپین و حکومت های خلیج دچار نگرانی شدند. بیش از صد هزار کارگر فیلیپینی مقیم ایالات متحده عربی در «مراسم تپایش» علیه حکم اعدام دست به اعتراض زدند. این اقدامی شجاعانه بود، زیرا طبق قوانین فاشیستی کشور، پروتکلها حق گردهمائی در اماکن عمومی را ندارند. امواج جدید اعتراض در فیلیپین براه افتاد.

حکومت فیلیپین از این ترسید که اعدام سارا، جرقه يك موج قدرتمند شورش در کشور را مشتعل سازد. در ماه مارس ۹۵ يك خدمتکار فیلیپینی دیگر بنام «فلور کنتیم پلاسیون» که اربابش به او اتهام قتل بسته بود، در سنگاپور به دار آویخته شد. پاسخی که توده ها در فیلیپین به این واقعه دادند، حکومت زرتراک راموس را عمیقاً بلرزده درآورد. رئیس امارات متحده عربی تخت فشار، حکم اعدام سارا را پس گرفت. طبق حکم جدید سارا مجبور است ۴۱ هزار دلار به خانواده فرد متجاوز بپردازد، يك سال حبس بکشد و در ملا عام صد ضربیه شلاق بخورد. این حکم تا این لحظه همچنان پایرجاست. سارا شانزده ساله قریب ۱۴ ماه است که در زندان بسر می برد و تشنیهات وحشیانه تری بیخطر دفاع از خود در برابر يك متجاوز ثروتمند، در انتظار اوست.

به ماجرای سارا نگاه کنید: این است باصلاح «بازار آزاد» جهان مدرن سرمایه داری در این بازار، اغنیا در خرید و فروش نوع بشر «آزادند». آنچه سارا را به دام انداخته فقر فوق العاده در فیلیپین و شرایط نیمه بردگی در دولتهای حاشیه خلیج است. هر دوی این مناطق تحت سلطه امپریالیسم آمریکا هستند.

در کشورهای عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، عمان، قطر و کویت ده میلیون کارگر خارجی کار می کنند. این تعداد بعلاوه اهالی این کشورها قریب ۲۳ میلیون نفر میشوند. در این میان يك میلیون نفر خدمتکار خانگی هستند. کارگران در خلیج با شرایطی وحشیانه دست بگیربیاوند. این شرایط که از یکسو نشانگر ثروت عظیم ناشی از نفت و از سوی دیگر حاکمی از فقر ناشی از بردگی تحمیلی است، دقیقاً همان مناسبات اجتماعی است که توسط ارتش آمریکا محافظت می شود؛ همان ارتشی که طی جنگ اخیر خلیج به این منطقه تجاوز کرد.

داستان سارا نمونه ای زنده از «آزادی های» سرمایه داری است که آمریکا توسط قدرت نظامی اش از آن دفاع می کند.

ماجرای سارا احساسات جهانیان را جریحه دار کرده، زیرا ستمی که بر او روا شده، ستمی مشترک است. میلیونها پرولترر مجبور شدند خانه و روستای خود را ترک کنند، به کشورهای دور بروند تا به سخت ترین و کثیف ترین کارها تن بدهند. بسیاری در شرایط بردگی کار می کنند؛ به این امید که مبلغ ناچیزی برای تامین خوراک خانواده شان به کشور خود بفرستند. میلیونها نفر از ما خواهان خاتمه تجارت سرمایه دارانه زنان تهیدست هستیم و جهانی را می طلبیم که در آن فقر و بدمقرتاری ملغی شده باشد.

سازمان بین المللی کار برآورد کرده که در سال ۱۹۹۰، تعداد کارگران مهاجر به يك کشور دیگر، بدون احتساب «کارگران غیرقانونی» ۲۵ میلیون نفر می شود. شمار کلبه کسانی که خارج از وطنشان کار می کنند به ۷۰ میلیون نفر می رسد. در اینجا يك میلیون نفری که هر سال بر شمار ساکنان دائم این کشورها افزوده می شود را بحساب نیاورده اند. در جنوب آسیا سیل دائمی مهاجرت از کشورهای بشدت فقیر نظیر فیلیپین، سریلانکا، بنگلادش و غیره به کشورهای ثروتمند نظیر ژاپن، کشورهای نفتی خاورمیانه و سنگاپور جریان دارد.

چندین هزار نفر، اقبانوس آرام را از فیلیپین و چین پشت سر می گذارند تا به آمریکا برسند. محافل کارچاق کن غالباً کارگران چینی را گروه گروه توسط قایق های ترازه به آمریکا قاچاق می کنند. در نیمکره غربی، سیل دائمی مهاجرت از آمریکای لاتین و جزایر کارائیب بسمت شمال یعنی به آمریکا جریان دارد.

قاچاق آدم غالباً شکل «کار پیمانی» بخود می گیرد: شبکه های جهانی کارچاق کن ها، افراد را در کشورهای فقیر مجبور به پرداخت مبالغ عظیم می کند و برای سالها از آنان بیکاری می کشند، با این وعده که روزی آنها بتوانند پولی برای خانواده هایشان بفرستند.

در سال ۸۵ حدود سه و نیم میلیون کارگر پیمانی فقط در خاورمیانه کار می کردند. بخش وسیعی از آنها اهالی شرق و جنوب آسیا (فیلیپین، بنگلادش، هند و پاکستان) بودند. این تجارت انسانی بسرعت در حال رشد و تغییر است. بیست سال پیش قراردادها بیشتر کارگران مرد برای نواحی نفت خیز، صنایع ساختمانی و کارهای تخصصی را شامل می شد. با گذشت سالها، زنان به موضوع اصلی این تجارت تبدیل شدند.

مرکز توسعه منطقه آسیا - اقبانوس آرام در مالزی، برآورد کرده که بین يك تا ۱.۷ میلیون زن مهاجر بعنوان کلفت در سراسر آسیا و خاورمیانه به کار مشغولند. در سال ۹۴ بیش از سیصد هزار زن کارگر فیلیپینی را ترک کردند، که اغلب آنها کلفت بودند. ۷۵ هزار زن مهاجر در سنگاپور، ۵۰ هزار در هنگ کنگ، ۴۰ هزار در انگلستان، ۸۰ هزار در ایتالیا، ۶۰ هزار در اسپانیا، ۲۰ هزار در یونان و ۷۵۰ هزار در خاورمیانه کار می کنند.

چند سال پیش يك رسوایی در آمریکا بوقوع پیوست که نامش را ماجرای «ژونه برد» گذاشتند. داستان این بود که يك زن از طبقه حاکم بخاطر اینکه يك «غریبه غیرقانونی» را بعنوان خدمتکاری استخدام کرده بود، از يك پست بالای حکومتی محروم شد. این ماجرا نشان داد که طبقات فوقانی در آمریکا برای نگهداری از فرزندان خود و تمیز کردن خانه هایشان بطور گسترده از زنان جهان سومی استفاده می کنند. ماجراهای بیشمار دیگری در آمریکا که حاکی از حبس، کتک زدن و تجاوز به خدمتکاران خانگی توسط اربابانشان است، گوشه ای از استعمار موجود را نشان می دهد. از آنجا که زنان مهاجر غالباً در آمریکا بطور «غیرقانونی» کار می کنند، تعداد آنها را نمیتوان دقیقاً معلوم کرد.

### فشار ناشی از فقر فوق العاده

عاملی که باعث می شود زنان مخاطرات گوناگون را برای کار در نقاط دورست جهان بجان بخورند، بهیچوجه پوشیده نیست. علت، فقر در زادگاهشان و درون خانواده هایشان است. نظام جهانی امپریالیسم يك اعوجاج عظیم بوجود آورده است. میلیاردها نفر در فقر و درماندگی دست و پا می زنند، حال آنکه ثروت جهان در دست يك قشر نازک از طبقات ثروتمند و درون چند کشور غنی متمرکز شده است. بررسی «تجارت خدمتکاران خانگی» که توسط مرکز توسعه مالزی صورت گرفته است، به مقایسه درآمد متوسط کت رهایی «میزبان» کارگران پیمانی با کشورهای «صادر کننده» این کارگران می پردازد. متوسط درآمد سرانه در اولی ها ده هزار دلار آمریکائی است. حال آنکه این رقم در کشورهای مهم آسیائی صادر کننده زن، ۶۸۰ دلار است. یعنی تفاوت پانزده برابر است.

طبق برخی برآوردها امروز از فیلیپین تحت سلطه آمریکا، عظیمترین رقم موجودات بشری به جهان صادر می شود. صدها هزار کارگر هر سال کشور را ترک می گویند تا بعنوان کارگر ساختمانی یا خدمتکار در سراسر جهان بکار گماشته شوند و بخش بزرگی از آنها وارد شبکه های بین المللی صنعت سکس شوند. در فیلیپین، درآمد متوسط سالانه ۷۳۰ دلار است. حال آنکه درآمد متوسط شهروندان امارات متحده عربی (محل اسارت سارا) ۱۹۰۰۰ دلار است.

اغلب زمانی که فیلیپین را بمقصد کار ترک می کنند، بین ۲۵ تا ۳۵ سال هستند. اغلب آنها تحصیلات متوسطه را گذرانده اند. نزدیک به نصف آنها ازدواج کرده و صاحب بچه هستند. مطالعات نشان می دهد که بطور متوسط در مقابل هر زن مهاجر فیلیپینی، سه فرزند در فیلیپین برجای مانده اند. برای مثال «فلور کتتم پلاسیون» که يك خدمتکار فیلیپینی بود و توسط حکومت سنگاپور به دار آویخته شد، ۴۲ سال داشت و صاحب سه فرزند بود.

شبکه کارچاق کن ها روستاها و مناطق فقیرترین شهری در کشورهای فیلیپین، تایلند، جمهوری دومینیکن و السالوادور را زیرپوشش خود دارد. این يك کسب و کار رامچلتی است. آگهی در مطبوعات و کارزارهای رادیویی مکمل آن هستند. این کسب و کار در هر گام از تجارت انسان، سود می مکند. اغلب تجار محلی با استفاده از شبکه های خانوادگی به استخدام مستقیم نیروی کار می پردازند. مثلاً، زمانی که خانواده سارا تصمیم گرفتند او را به خلیج فارس بفرستند، برادر بزرگترش مدتی بود که بعنوان کارگر پیمانی در آنجا بسر می برد.

دلایل کار غالباً به خانواده کارگران وعده های بزرگ می دهند. آنها می گویند که زنان جوان بعنوان معلم یا پرستار نزد خانواده های ثروتمند مشغول کار خواهند شد. اما بزرگترین وعده این است که آنها پول خواهند ساخت. مثلاً، دستمزد زنان در فیلیپین بطور معمول بین ۲۰ تا ۳ دلار در روز است. حتی حکومت این کشور اذعان دارد که این مبلغ فقط کفاف نیمی از هزینه های زندگی را میدهد. بیکاری آ شدز زیاد است که بسیاری از مردم حتی نمی توانند

چنین دستمزدی داشته باشند. زنان از تابلیند گرفته تا فیلیپین برای خدمتکاری در سنگاپور استخدام میشوند. به آنها وعده می دهند که شش برابر دستمزدی که در کشور خودشان می گیرند را صاحب خواهند شد. به کسانی که برای کار عازم کشورهای خلیج می شوند وعده می دهند که در آمدی پانزده برابر در انتظار شمامت.

بهمین خاطر غالب اوقات، چند خانواده همدست می شوند، زمینهایشان را می فروشند، خانه هایشان را گرو می گذارند یا زیر بار قرض می روند تا پول دلال را بدهند و یکی از دختران خانواده را اعزام کنند. به این امید که او پولی برایشان بفرستد و هم این خانواده ها را زنده نگه دارد. هزینه سفر بین چند صد تا چند ده هزار دلار است. برآورد شده که هر سال ۸۲۰ هزار فیلیپینی کشور خود را ترک می کنند. طبق یک برآورد حدود شصت درصد خانوارهای مانیل روی پولی که از خارج برایشان فرستاده می شود، جهت امرار معاش حساب می کنند. این ماجرای است که در همه کشورهای فقیر جهان، از مکزیک گرفته تا السالوادور و نیجریه، از سنگال گرفته تا هند و غیره تکرار می شود.

## واقعیت: بردگی مدرن سرمایه دارانه

زنانی نظیر سارا که از کشورهای دور آمده اند و وعده های دلالان را و امید به یک زندگی جدید ذهنشان را پر کرده، با واقعیت تلخ مواجه می شوند. آنها را بعنوان کم مزدترین کارگران استخدام کرده اند. دستمزد ماهانه آنها معمولا ۱۳۰ دلار است. پول بلیط هواپیما را که غالبا هزار و پانصد دلار است بطور معمول صاحبکار می پردازد و آن را قرض کارگر بحساب می آورد که باید قبل از گرفتن دستمزد بازپرداخت شود.

این روش باعث ایجاد شکل معاصر بردگی یعنی «انقیاد» میشود. در اینجا کارگران از لحاظ قانونی قبل از بازپرداخت قرضشان، حق رها کردن کار را ندارند. این کارگران اغلب باید سالها کار کنند و در مقابل، هیچ پولی دریافت نکنند. آنها کاملا برده صاحبکار خود هستند. این زنان مرتبا ماجرای زندگی خود را بازگو می کنند. می گویند که چگونه آنها را مجبور به کار کمرشکن از صبح تا شب و بدون تعطیل کرده اند. بسیاری شانزده ساعت در روز کار می کنند و مجبورند که روی تشک زیرپله یا نزدیک توالت بخوابند. صاحبکاران اغلب از پرداخت دستمزد سر باز می زنند، آنها را از خروج از خانه منع می کنند، و نمی گذارند با خانواده هایشان تماس بگیرند. در هند، وقتی که صاحبکار برای یک ماه به مسافرت می رود، مستخدمین را مانند حیوان در خانه حبس می کنند. کلید را به همسایه ها می دهند تا هر چند وقت یکبار به این مستخدمین غذا بدهند.

زنان کارگر پیمانی در بسیاری کشورها مجبورند پول و گذرنامه خود را بدست صاحبکار بدهند تا نتوانند کار را رها کرده یا کشور را ترک گویند. عربستان سعودی این اجبار را قانونی کرده است. گانا اما اقامت زنان کارگر مهاجر در آپارتمان جداگانه را ممنوع کرده است. سنگاپور اجازه تعویض شغل به خدمتکاران نمی دهد.

انطباق زنان در می یابند صاحبکار از آنها انتظار تبدیل شدن به برده جنسی را هم دارد. طبق گزارش شیکاگو تریبون (۱۷ نوامبر ۹۱): «کارگران امور اجتماعی و مقامات حکومتی برآورد می کنند که ۸۰ درصد زنان آسیایی که به خاورمیانه صادر شده اند، از لحاظ جنسی مورد تعرض قرار گرفته اند. طبق این برآورد از هر ۹ زن فیلیپینی که در خارج کار می کنند به یک نفرشان تجاوز شده است. زنان مهاجر در سنگاپور، هنگ کنگ و تایوان شکایت دارند که علاوه بر کمبود دستمزد، تغذیه بد و کار زیاد روزانه، مردان صاحبکار انتظار دارند که شب هنگام با آنها همبستر شوند.»

موارد ثبت شده بسیاری از کتک زدن، تجاوز و حتی قتل وجود دارد. زنی که قبلا یکی از مقامات سفارت فیلیپین در سنگاپور بود توضیح داد که در سال ۱۹۹۰، طی یک دوره شش ماهه ۷۸۲ نمونه از آزار خدمتکاران زن فیلیپینی توسط صاحبکارانشان وجود داشته است. که این شامل شش خودکشی، ۸۰ برش خورد فیزیکی، دو قتل، ۱۴۴ ضرب و شتم، ۲۰ تجاوز، ۱۲۸ تقاضای بازگشت به کشور، ۶۶ مورد عدم پرداخت دستمزد و شش مورد شکنجه بوده است. گزارشی وجود دارد مبنی بر کشیدن دندان کارگران پیمانی بقصد تنبیه.

طبق یک گزارش حکومتی در سریلانکا، ۲۰۰۰ پسر بچه سریلانکایی که زیر ۱۴ سال را دارند را بعنوان سوارکار مسابقات در امارات متحده عربی فرستاده اند. به بخشی از آنها عمدا کم غذا داده بودند تا «وزن مناسب سوار کاری» را ثابت نگاهدارند. آن کودکانی که خواهان بازگشت به کشورشان را بودند با آهن گداخته سوزاندهند. (شیکاگو تریبون، ۱۷ نوامبر ۹۵)

طی تابستان گذشته، حداقل سه خدمتکار در کویت طی یک ماه بر اثر ضرب و شتم بدست صاحبکارشان کشته شدند؛ دو سریلانکایی و یک فیلیپینی. فقط در سال ۹۴ حدود ۶۰۰ کارگر فیلیپینی در مهاجرت جان سپردند؛ خیلی از این عده به قتل رسیدند، دچار سانه شدند یا خودکشی کردند.

از سوی دیگر مقامات حاکم در سراسر جهان از شرایط برده وار این کارگران دفاع کرده و آن را تحمیل می کنند. بسیاری از خدمتکاران مهاجر در آمریکا «غیرقانونی» بحساب می آورند و اغلب از هیچ حمایت پایه ای قانونی برخوردار نیستند. طبق گزارش «آیدیه بان حقوق بشر» در بهار ۹۳، در کشورهای خلیج هیچ صاحبکاری را تا بحال بخاطر آزار یک خدمتکار آسیایی محکوم نکرده اند.

در مقابل، حکومت سعودی حداقل یازده «خدمتکار زن» را طی چند سال اخیر اعدام کرده و صدها زن را در ملاه



عام شلاق زده است. طبق يك گزارش مستند، يك رن فیلیپینی بنام «لئوناردا آکولا» که در عربستان سعودی کار می کرد بخاطر کشتن صاحبکارانش (يك رن و شوهر و پسرشان) گردن زده شد. صاحبکارانش او را به زور در خانه زندانی کرده و مورد آزار جنسی قرار داده بودند. وقتی در سال ۹۱ از وزیر امور خارجه فیلیپین سوال شد که خدمتکاران در خلیج در قبال تجاوز چکار باید بکنند، جواب داد: «لذت ببرند».

خلاصه آنکه داستان سارا، داستان صدها هزار زن دیگر هم هست.

## مقاومت بشکل فرار

موسسه توسعه مالزی گزارش داد که خدمتکاران در بحرین طی مصاحبه هایی موقعیت خود را «فلاکتبار، ناراحت کننده، دلننگ و از دست رفته» تشریح کرده اند. این زنان و خانواده ها و مدافعانشان بیش از پیش در قبال این شرایط دست به مقاومت می زنند.

گزارش سال ۹۲ «دیده بان خاورمیانه و پروژه حقوق زنان» نشان میدهد که ۲۰۰۰ زن آسیایی که در کویت بعنوان خدمتکار ساکن بودند، بواسطه آزار اربابانشان طی يك سال دست به فرار زدند. اغلب آنها نتوانستند کشور را ترک کنند زیرا گذرنامه و پول نداشتند. اغلب آنها به سفارت خود رفتند تا شاید از آنجا کمک بگیرند.

و حاضر نشدند به آنها ویزای خروج بدهند. این مقامات گفتند که باید صاحبکاران اجازه ترک کار را به خدمتکارانشان داده باشند. مقامات اغلب اصرار دارند که این زنان مقروضند و باید قرض هایشان را بازپرداخت کنند. در کشورهای خلیج صدها خدمتکار فراری در يك یا دو اتاق سفارت فیلیپین و سریلانکا انبار شده اند. گزارش شده که هر روز بیست زن به سفارت هند، بنگلادش و سریلانکا پناه می برند.

زنی که «لورما سانچز» نام داشت بعد از چندبار کتک خوردن و يك بار اقدام به خودکشی به سفارت فیلیپین پناهنده شد. ارباب او که يك سرهنگ کویتی بود او را دنبال کرده و با ماشین به او زده بود. سرهنگ خواهان بازگشت او شد و گفت «فکر کردیم من برای دختران فیلیپینی آژانس مسافرتی باز کردم؟ پولم چه میشود؟ چه کسی پول مرا می دهد؟»

## جنایتی توسط نظام سرمایه داری

حکومتها که بعلت ماجرای «فلور کنتم پلاسیون» و «سارا بالاپاگان» افشاء شده اند می گویند خود را نگران مسئله نشان بدهند. «روی سنرس» سفیر فیلیپین در امارات متحده عربی اذعان داشت که خدمتکاری بیسانی «يك شغل بشدت خطرناک است که می تواند خطر جانی داشته باشد».

امسال برای اولین بار محاکم کشورهای حاشیه خلیج دو صاحبکار بخاطر کتک زدن خدمتکاران خارجی که منجر به مرگ آنها شده بود، محکوم کردند (هر چند احکام صادره بشدت ملایم بود).

اما واقعیت این است حکومتهای جهان سوم تجارت انسان را حمایت و تشویق می کنند زیرا طبقات حاکمه سرمایه دار آنها بر این استثمار منگی هستند. مثلا تنظیماتی که بین بانکهای امریالیستی و طبقه حاکم فیلیپین وجود دارد این کشور را به ورطه ۳۵ میلیارد دلار قرض افکنده است. طبق برخی برآوردها سه تا چهار میلیون فیلیپینی در خارج کار می کنند و شش و نیم تا هشت میلیارد دلار در سال به کشور باز می گردانند. بیشتر این پول از طرق گوناگون وارد کانال بازپرداخت بهره سالانه قروض کشور می شود. (مجله نی شن، ۱۷ آوریل ۹۵).

عین همین تصویر در السالوادور، مکزیک، ترکیه و بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم قابل مشاهده است. برآورد شده که صد هزار زن از جمهوری دومینکن وارد صنعت جهانی سکس شده و بدین ترتیب يك چهارم درآمد خارجی کشور را تأمین می کنند.

این بدان معناست که حکومتهای ارتجاعی جهان و بانك های استراضی قویا پشتیبان نظام جهانی کار پسان می هستند.

مثلا در فیلیپین تجارت جهانی انسان علنا بعنوان وجه اساسی «استراتژی اقتصاد ملی» حکومت طرفدار امریالیسم تشریح می شود. حکومت فیلیپین خدمتکاران مهاجر را «زنان قهرمان اقتصاد فیلیپین» می خواند و پرزیدنت راموس کارگر مهاجر را «خدمت فیلیپین به توسعه سایر کشورها» معرفی می کند.

سرمایه داری با بیرحمی میلیونها نفر را در سراسر جهان به نقل و انتقال وامیدارد تا آنها را بهتر استثمار کرده و سوده های خون آلود سرشار را از وجودشان بیرون بکشد. داد و ستد، استثمار و اذیت و آزار میلیونها کارگر مهاجر برای نظام سرمایه داری جهانی حیاتی است. این اعمال پشیمانه را باید افشاء نمود، با آن مبارزه کرد تا روزی که جنبش های انقلابی در سطح جهان بتوانند برای اید بر آنها نقطه پایان نهند.

از نشریه «کارگر انقلابی»، ارگان حزب کمونیست انقلابی - آمریکا

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)

BM BOX 8561  
LONDON WC 1N 3XX  
ENGLAND

ترجمه و تکثیر از هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)